

خرابات

تعامل در وسط گود



جواد طوسی

● بعضی کلمات و عبارات دارای موج مثبتند و به دل می‌نشینند. «تعامل فرهنگی»، چنین حسی دارد. اما شنیدن کی بود، مانند دیدن! در همین برخوردها و مناسبات فرهنگی- هنری خدمان، چقدر سعه‌صدر، انعطاف‌پذیری و تفاهم وجود دارد؟ هر چقدر جامعه زمخت‌تر و بی‌عاطفه‌تر شود، آثار و تبعاتش دامن‌گیر فضای فرهنگی هم خواهد شد. یک زمانی در منصب قضائی‌ام در رسیدگی به پرونده‌های کیفری در مناطق سنتی و جنوب شهر و میان افشار و طبقاتی که به سلام‌علیک و اصول اخلاقی پایند بودند، صحبت‌هایم خطاب به طرف‌های درگیر برای گذشت و پرهیز از موضع کینه‌توزانه و انتقام‌جویانه مؤثر واقع می‌شد. یکی از نمونه‌ای‌ترین نزادها در این زمینه (به‌ویژه درباره نسل کهن‌سالشان) بلوچ‌ها بودند که باعث شد دوران خدمت در شهرستان ایرانشهر بلوچستان، پر از خاطرات شیرین و موج‌های گرم انسانی شود. اما متأسفانه هرچه جلوتر آمدیم، این خصایص و مهر و عطفوت در میانمان کم‌رنگ‌تر شد. خوب، در این شرایط نابهنجار و پرتنش و خشونت‌زده معاصر، به آدم عامی حرجی نیست. اما از افرادی که نسبتی با فرهنگ و هنر دارند و نیز دولتمردان و الگوهای مدیریتی و تصمیم‌گیرنده جامعه، این انتظار نمی‌رود که مثل یک آدم عامی رفتار کنند و به جای مروت و عقلانیت و به‌جاآوردن شرط احتیاط و دوراندیشی، شتاب‌زده، احساسی و متکی به غریزه عمل کنند و زود عصبانی شوند. در این‌صورت، نظم و نسق جامعه از بین می‌رود و سره و ناسره را نمی‌توان از هم تشخیص داد و با یک وضعیت نامتوازن و بلبشو مواجه می‌شویم. جامعه‌ای که مفاهمه و هم‌کلامی خودجوش انسانی‌اش را از دست دهد، تا تقی به توقی می‌خورد، افراد درصدد شکایت از هم برمی‌آیند و ضرورتی نمی‌بینند ابتدا سر میز مذاکره بنشینند و موضعیشان را در جوی مسالمت‌آمیز روشن کنند. یکبار همه آن رابطه‌های دوستانه و همکاری و انس و الفت و حرمت‌ها، فاتحه‌اش خوانده و طرف به یک هیولا و دشمن خونی تبدیل می‌شود که هرچور شده باید دسمار از روزگارش درآورد. مثلاً در این نگاه خشکی‌شده و پرسو-تفاهم، علاقه‌مندان و طرفداران موسیقی از دید عده‌ای، یک مشت آدم بی‌قیدوبند و لالایی و لامذهب به شمار می‌آیند که به لعنت خدا نمی‌ارزند و اصلاً تعامل با آنها موجبی ندارد. ازآن‌سو در صحن مجلس که الان از آن به‌عنوان خانه ملت نام می‌برند، خبرنگار جوان از سوی نماینده‌ای که زود ازکوره‌دررفتن را فضیلت می‌داند، کتک می‌خورد و کسی هم نیست با تمهید و سیاست و متوسل‌شدن به قانون، جلوی این‌گونه رفتار تابلو را به‌طور جدی بگیرد تا از تکرار آن جلوگیری شود. یا می‌بینیم فیلمی مذهبی که به حماسه عاشورا می‌پردازد و جوازیر عده‌بد از جشنواره فیلم فجر نصیبش شده و پروانه نمایش هم دارد، یکبار به همان روز اول نمایش‌اش از پرده بایین کشیده می‌شود و تعامل و رایزنی و چانه‌زنی از پایین و بالا افاقه نکرده است. خب در چنین اوضاع و احوالی که شاخ‌وشانه‌کشیدن و قدرت‌نمایی و تکیه‌کردن فاتحانه به غرور، موضوعیت بیشتری دارد، ظاهراً باید هرگونه تعامل فرهنگی را در کوزه گذاشت...

نشست

انیس‌العشاق درایتالیا

● کتاب انیس‌العشاق تألیف شرف‌الدین رامی‌تبریزی، شاعر و ادیب سده هشتم قمری است که در وصف سرایای معشوقان نوشته شده است. کتاب با مقدمه‌ای در حمد خدای، نعت پیامبر اکرم (ص)، وصف بهار، محفل رصدخانه مراغه، سبب تألیف کتاب و فهرست ناپ‌های آن آغاز شده و متن اصلی آن در ۱۹ باب به ترتیب به صفت موی، جبین، ابرو، چشم، مژگان، روی، خط، خال، لب، دندان، دهان، زرخدان، گردن، بر، ساعد، انگشت، قد، میان و ساق پرداخته شده است. به‌تازگی ترجمه ایتالیایی «انیس‌العشاق» به قلم ایمان منسوب‌بصری و استفانو سالتزانی در ایتالیا منتشر شده است.

نشست هفگی شهر کتاب در روز سه‌شنبه ۱۶ شهریور ساعت ۱۶:۳۰ به نقد و بررسی کتاب «انیس‌العشاق» و بازتاب ترجمه ایتالیایی آن اختصاص دارد که با حضور نسرین فقیه‌ملک‌مرزبان، منوچهر سادات‌افسری، محسن کیانی و ایمان منسوب‌بصری در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند برای حضور در این نشست به مرکز فرهنگی شهر‌کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم مراجعه کنند.

سعید برآبادی؛ شب، شب شهرام ناظری است و این را نه یک نهاد داخلی و کوچک، بلکه بزرگ‌ترین نهاد فرهنگی جهان در کاخ سعدآباد برگزار کرده. قرار است استاد تقدیر شود، چند آهنگ برای میهمانان ایرانی و خارجی‌اش بخواند و آلبوم جدیدی را هم در حاشیه مراسم رونمایی کنند. حضور استاد اما درست نیم‌ساعت با تأخیر صورت می‌گیرد، بدون آن‌همه برنامه ازپیش‌تعیین‌شده. با احوالی پریشان و چهره‌ای برافروخته از انتهای ردیف‌های تماشاچیان به برنامه وارد می‌شود، دستی برای تشویق هوادارانش تکان می‌دهد و روی صندلی‌اش می‌نشیند.

کسی نمی‌داند که چرا شهرام ناظری که این‌قدر کنسرت‌هایش در خوش‌قولی و «آن‌تایم»‌بودن معروف است، دیر آمده. اما انگار همه آماده شنیدن خبر بد هستند؛ این روزها همه منتظرند که از موسیقی، اخبار بدی بشنوند. مدیر کاخ سعدآباد حرف‌هایش را می‌زند که از سعدآباد و تاریخچه آن می‌گوید، نماینده یونسکو – که برگزارکننده اصلی این شب است – روی سن می‌آید و شهرام ناظری را مردی از جنس موسیقی و پدایش را میراث معنوی ایران معرفی می‌کند و دست‌آخر از قبول این زحمت از طرف استاد تشکر می‌کند. خنیاگر ما اما هنوز خاموش است. خاموشی او اندکی بعد که برای خواندن چند قطعه، روی سن می‌آید شکسته می‌شود؛ صدای اعتراضی بیرون می‌آید از حنجره‌ای که سال‌ها برای موسیقی خوانده است و اتفاقاً همین سال‌های رفته‌را، این ۳۷ سال را به شهادت می‌گیرد که «من پوزش می‌خواهم برای این تأخیر چون به اختیار من نبود، اما دیگر عادت کرده‌ایم، نمی‌دانم چرا باید برای چنین مراسم مهمی دعوت شوم و بعد مشکلاتی پیش بیاید... البته برای عشق باید تاوان داد و ما آماده‌ایم...». حرف‌های او سکنه و سکوت داشت و به سنت موسیقی

هنر

تجلیل «یونسکو» از «شوالیه» آواز ایران

ناظری: برای عشق باید تاوان داد



عکس: حامد ملکپور/سینما

فاخر ایران، فریاد این سکوت، ناگهان در شعری از شفیعی‌کدکنی پیچید. ناظری نگفت که این قسمت از برنامه از پیش هماهنگ شده یا نه، اما ترکیب سن، نشان می‌داد که اجرای تک‌نوازی استاد با س‌تار و خواندن شعر حلاج شفیعی‌کدکنی، تصمیمی بوده که در راه گرفته تا اعتراض خودش را به وضع موجود نشان دهد. در میانه اجرا، برگ‌های چنارهای سعدآباد یکی‌یکی روی سن می‌افتادند؛ آیا این استعاره‌ای بود از پاییز موسیقی در ایران؟ آیا نشانه‌ای است از تسلیم‌شدن موزیسین‌ها در برابر فشارها بر پیکره موسیقی؟ انتخاب شعری از استاد شفیعی‌کدکنی با عنوان حلاج، از سوی شهرام ناظری مستقیم یا غیرمستقیم حامل دو پیام بود به مخاطبانش و این‌دو پیام را احتمالاً آنها که معنای این شعر را دریافته‌اند، می‌دانند و دیگر نیازی به تکرار آن نیست. بعد از آن نوبت به اجرای «بیدا شدم» رسید؛ آهنگی جادوانه از او با اجرائی کامل و بی‌نقص. در فاصله همین اجراها، باز هم چندکلمه‌ای بریده‌بریده از وضع موجود گفت و از موسیقی که همیشه زنده است. شاید دلیل

گفت‌وگوی «شرق» با دو فعال موسیقی خراسان

آتش موسیقی و خاکستر بی‌مهری‌ها

سیمین سلیمانی



خوششان بیاید ولی این نوع برخوردها با هنر موسیقی یا جنبه‌های دیگر از هنر و در واقع این نوع برخوردهای شدداد و غلاظ غیر از اینکه جامعه را در مقام مقابله با حرکت‌هایی که در کشورهای مجاور اتفاق می‌افتد، در آورد و تدروی‌هایی که انجام می‌شود، هیچ اثر مثبتی در جامعه نخواهد گذاشت، بلکه سطح نارضایتی مردم را بالا می‌برد. من نمی‌دانم چه زمانی جلوی تدروی‌ها را می‌خواهند بگیرند؟ وزارت کشور یکی از متولیان در این زمینه است؛ شورای عالی انقلاب فرهنگی متولی دیگر این قضیه است؛ چرا همه اینها در برابر این‌طور ابراز نظر‌ها سکوت می‌کنند؟ تنها وزیر ارشاد باید پاسخ‌گو باشد؟ پس شورای انقلاب فرهنگی را چرا تشکیل دادند؟ شورای تشخیص مصلحت نظام چرا سکوت می‌کند؟ چرا در برابر تدروی‌ها سکوت می‌کنند؟!

جاوید ادامه می‌دهد: بر اثر همین تدروی‌ها به‌جای آنکه جوانان بیایند به سمت موسیقی ایرانی داخل شهر مشهد، گروه‌های بسیاری که خارجی‌ها هم خیلی دوست دارند نشان را موسیقی زیرزمینی بگذارند، به وجود آمده؟! واقعاً چه ضراری بر این قضیه است؟ اگر فضای اجرا باز شود، حتی این نگرانی‌ها هم برطرف خواهد شد و نظارت درستی نیز می‌شود. بسیار برای من جالب است که یک مجموعه از هنرمندان برای آستان قدس رضوی ترانه‌های رضوی خیلی خوبی اجرا کردند ولی اجازه ندارند در خراسان کنسرت بدهند، چرا؟! آیا آن هنرمند نمی‌گوید که از من می‌خواهند هستی که بنیان‌گذار انقلاب بوده و دارند مخالفی او عمل می‌کنند، بعد از انقلاب هنرمندان بسیاری از بخش موسیقی‌ی وارد دفاع مقدس شدند، هنر خود را در راه انقلاب مصرف کردند، در خدمت نظام بودند، هرکسی به نوبه خود برای جامعه و آرامش بخشی به روح جامعه خدمت کرده است؛ چرا باید این‌گونه با آنها برخورد شود؟ شاید عده‌ای از این مسائل

نمی‌تواند مانع از آن شود که موسیقی در شهری شنیده شود. ناظری در این آلبوم نه‌فقط به سراغ مسجدها که به سراغ کتیسه یهودیان و کلیسای وانگ در اصفهان هم رفته و این موضوعی است که جهان را انگشت‌به‌دهان خواهد گذاشت که چطور در کشوری که موسیقی از سوی برخی با محدودیت همراه است، از سوی دیگرانی چنین ارج گذاشته می‌شود. شاید پاسخ در اینجاست که موسیقی خصوصاً از سوی موزیسین‌های اصیل ایرانی سراپا برای هرگونه رپاروپی آماده است. آنها، چه مانند ناظری صاف بایستند و چه مانند علیزاده بر سن بنشینند، آماده شهادتند برای حفظ جایگاه موسیقی و این تاکید م‌توكد، اما گذشته ناظری در اجرای سعدآباد بود، آنجا که برای چند ثانیه با سکوت به تماشاگرانش خیره شد و گفت من در بسیاری از مکان‌های فرهنگی دنیا، کنسرت برگزار کرده‌ام و صدای موسیقی ایران در همه‌جای دنیا شنیده شده است.

شب، شب شهرام ناظری نبود، شب او بود و شب موسیقی. مردم دسته‌دسته با استاد عکس یادگاری گرفتند و معاون سازمان میراث فرهنگی، توجه ناظری به مکان‌های تاریخی کشور را ستود. استر کیش لاروش، مدیر دفتر منطقه‌ای یونسکو، هم لوح تقدیری به او هدیه کرد، اما ناظری می‌دانست که تقدیر اصلی را همین تماشاچی‌ها کرده‌اند که با هراس بسیار به برنامه‌های آمده‌اند که هرآن امکان لغو آن بوده و این هنر علاقه‌مندان موسیقی ایران است که در بدترین روزهایی که آسمان کشور پر است از امواج خروشان لغو کنسرت‌ها، آنها بی‌صدا و بدون رسانه‌ای برای بیان حرف‌هایشان، بلیت می‌خرند، انتظار می‌کشند و احتمال هم دارد که بعد از وقفه‌ای نیم‌ساعته، خواننده موردعلاقه‌شان را ببینند که روی سن می‌آید و سازی به دست می‌گیرد.

که موسیقی را آموزش می‌دهد، باید واکنش نشان دهد. اگر این است که باید در دانشگاه‌ها را ببینند، باید بیایند و مستدل آنها را قانع کنند و بگویند موسیقی هنری است که در اختیار جامعه قرار می‌گیرد و در آن خلاقی صورت نمی‌گیرد. باید این موضوع منطقه‌ای نیست، یک حرکت بی‌نظیر فرهنگی احساسات حل شود.وی در رابطه با موضوع‌گیری‌های اخیر نیز اظهار می‌کند: به نظر من وزارت کشور باید حساس باشد، این بحث جامعه است، نمی‌دانم محروم‌کردن جامعه از موسیقی چه تعریفی می‌تواند داشته باشد. حتی من نظرات روحانیت را در زمینه موسیقی مطالعه کرده‌ام هنر در نقاشی ایران مورد توجه قرار گرفت. هرچند در این دوره نقاشی از طبیعت بی‌جان بسیار متأثر از نقاشی غربی بود، اما در زیبایی‌شناسی اصالت و بداعت داشت و آثار این دوره شبیه هیچ دوره دیگری نیست.

عکس‌العمل ما کنترل شده واز مجرای قانون بوده است

میثم قومورلو، رئیس هیأت‌مدیره انجمن صنفی هنرمندان موسیقی خراسان‌رضوی، نیز به «شرق» می‌گوید: هنرمندان دنبال جنگ و مغلطه نیستند، افراد فرهیخته‌ای هستند که اخلاقیاتشان نیز معلوم است؛ اما کار به جایی رسیده که توهین عظیمی به آنها می‌شود و انواع و اقسام توهین‌های صددین‌بودن و... را به آنها روا می‌کنند. وی در رابطه با برون‌رفت از این مشکل نیز ادامه می‌دهد: پیشنهاد خیلی ساده آن، رجوع به قانون است؛ ما قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را داریم که توسط متخصصان دین نوشته شده و مدون است، احتیاج به چیز دیگری نیست و اگر قرارست متممی بر قانون بیاید، مجلسی داریم که می‌تواند متمم برای قانون بزند. ضمن اینکه اگر می‌گفتند این موضوع حرام است و واقعا نیز حرام بود، بشخصه ۲۰ سال پیش دنبال این فعل حرام رفتی‌قمی(!) ما دانشگاه و آموزشگاه‌های رسمی موسیقی و یک صف داریم؛ آیا می‌شود یک صف باشد ولی حق فعالیت و کسب درآمد نداشته باشد؟! مثلاً بگویند بروید یک کبابی بزنید ولی حق ندارید کباب بفروشید ولی اگر ما کباب تو را بفروایم، باید به ما بدهید! از اول انقلاب و از لحظه ورود حضرت امام به فردگاه ایران، به هر عنوانی با موسیقی از ایشان استقبال شد، مرا در حاجی، عزاداری، راهپیمایی، خوشحالی، در جنگ و... موسیقی را داشته‌ایم. این محصول ماست و حاصل دسترنج پچه‌های موسیقی است که دارند با عشق و علاقه کار می‌کنند. موسیقی برای یک هنرمند هم شغلش و هم عشقش است، اما به دو فاکتور اصلی یک هنرمند در جامعه حمله می‌شود و طبیعی است که عکس‌العملی نسبت به آن وجود داشته باشد. ما سعی کردیم این عکس‌العمل کنترل‌شده و فقط از مجرای قانون باشد؛ مطمئناً اگر قانون بخواهد مشخص کند که خوب و بد چیست، این درسرها وجود ندارد، آنچه در قانون وجود دارد و آنچه مقام معظم رهبری می‌گویند فصل‌الخطاب است و بحتی روی آن نیست.



«همه پسران من»، «مروارید»، «مرگ دستفروش»، «باغ آلبالو»، «سه خواهر»، «ارزش»، «ساحره سوزان»، «مرغ دریایی»، «دشمن مردم»، «گوریل پشمالو»، «ایوانا» به این اقدام خانه هنرمندان افزود: ادینکه مسئولان خانه هنرمندان بر چه اساس و مبنایی دست به سانسور آثار هنرمندان می‌زنند، جای تعجب بسیاری دارد؛ اما موضوع مورد اعتراض من به این مکان نیست و بیش از هر چیزی از انجمن هنرمندان ایران به‌عنوان نهاد صنفی‌ای که در آن عضو هستم، کله‌متمن. این انجمن نمایشگاهی پژوهشی از هنرمندان خود برگزار کرده و بیش از یک‌ماه پیش عکس آثار من را خواسته‌اند که به آنها ارائه دادم و با انتخاب آثارم حتی عکس اثری را که از نمایشگاه حذف شده در کاتالوگ خود منتشر کردند.

زیر آسمان فیروزهای

استقبال از «فروشنده» در مشهد

● شرق: فیلم سینمایی «فروشنده» اصغر فرهادی در مدت چهار روز در سینماهای هویزه، سیمرخ و پیروزی مشهد، ۱۳۲ میلیون تومان فروش داشته است. رضا بهبهانی، مدیر داخلی سینما هویزه، در این‌باره به ایسنا، گفت: فیلم سینمایی «فروشنده» در مدت چهار روزی که در این سینما اکران شد، مبلغ ۱۱۷ میلیون تومان فروش داشته است. مهلت اکران فیلم سینمایی «فروشنده» به استقبال مردم بستگی دارد و تا زمانی که حضور مردم ادامه داشته باشد، این فیلم سینمایی هم در هویزه اکران می‌شود. مدیر داخلی سینما هویزه درباره سانس‌های فیلم سینمایی «فروشنده» تصریح کرد: احتمالاً از فردا این فیلم سینمایی در سالن‌های دو و سه به صورت هم‌زمان روی پرده نمایش داده می‌شود.امیرحسین دبیرزاده،مدیریت مجموعه سینمایی سیمرخ و پیروزی مشهد، نیز در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: به علت شهادت امام جواد(ع) فیلم سینمایی «فروشنده» در روز پنجشنبه تا اذان مغرب و در روز جمعه، بعد از اذان مغرب اکران شد، ولی در این مدت کوتاه توانستیم در مجموعه «سیمرخ» مبلغ هشت میلیون و در مجموعه پیروزی مبلغ هفت‌میلیون تومان، فروش داشته باشیم.و ضمن تاکید بر استقبال خوب مردم عنوان کرد: در این مدت کوتاه استقبال از سوی مردم از فیلم سینمایی «فروشنده» بسیار خوب بود و ما امیدواریم که این استقبال، روزبه‌روز افزایش یابد.دبیرزاده درباره مهلت اکران فیلم سینمایی «فروشنده» خاطرنشان کرد: اکران این فیلم سینمایی حداقل تا آغاز محرم ادامه دارد.

آثار «حجت‌امانی» به سافرانسیسکومی‌رود

● ۱۵ اثر از حجت امانی، هنرمند نقاش، با عنوان «طبیعت بی‌جان ایرانی» پاییز در سافرانسیسکو به نمایش درمی‌آیند. حجت امانی درباره جدیدترین فعالیت نمایشگاهی خود به مهر گفت: آذرماه نمایشگاهی از آثارم با عنوان «طبیعت بی‌جان ایرانی» در سافرانسیسکو برپا می‌شود که در این نمایشگاه ۱۵ اثر در ابعاد بزرگ را به نمایش می‌گذارم. وی در پاسخ به اینکه آیا «طبیعت بی‌جان ایرانی» اشاره به مفهوم و فرمی دارد، توضیح داد: در نگارگری ایرانی که سابقه طولانی دارد، اشیا هیچ‌وقت به‌تنهایی کنار هم قرار نگرفته‌اند. درواقع آن «طبیعت بی‌جان»ی که ما در نقاشی غرب سراغ داریم در سابقه نقاشی ایرانی که با نام نگارگری می‌شناسیم اتفاق نیفتاده است. در آثار «طبیعت بی‌جان» غرب، اشیا مستقلاً به صورت یک ترکیب‌بندی ارائه می‌شوند، اما در نگارگری ما، این «طبیعت بی‌جان»، اشیا تک‌افاده‌ای در گوشه‌وکنار تصاویر بوده‌اند. امانی ادامه داد: در کنار توجه گسترده هنرمندان غرب به طبیعت بی‌جان، از دوره قاجار در ایران این شاخه از نقاشی شکل و در دوره کمال‌الملک این هنر در نقاشی ایران مورد توجه قرار گرفت. هرچند در این دوره نقاشی از طبیعت بی‌جان بسیار متأثر از نقاشی غربی بود، اما در زیبایی‌شناسی اصالت و بداعت داشت و آثار این دوره شبیه هیچ دوره دیگری نیست.

اعتراض یک نقاش به یک‌نمایشگاه

● شرق: مصطفی دمیرچی (داچی)، هنرمند نقاش، نسبت به خارج‌شدن آثارش از نمایشگاه گروهی «کارنمای پژوهشی هنرمندان نقاش زیر ۴۰ سال»، که ازسوی انجمن هنرمندان نقاش پرا شده، اعتراض کرد. دومین کارنمای پژوهشی هنرمندان زیر ۴۰ سال انجمن هنرمندان نقاش ایران عصر روز ۱۲ شهریور در حالی با نمایش آثار ۴۸ نفر از هنرمندان زیر ۴۰ سال این انجمن در گالری‌های مختلف خانه هنرمندان ایران افتتاح شد که تنها ساعاتی قبل از برپایی این نمایشگاه، آثار مصطفی دمیرچی از این نمایشگاه خارج شد. دمیرچی (داچی) با اعتراض به این اقدام، توضیح داد: متأسفانه ساعاتی قبل از بازگشایی نمایشگاه، به من اطلاع داده شد که ازسوی مدیریت گالری‌های خانه هنرمندان، دو اثر از چهار اثر من که برای این نمایشگاه در نظر گرفته بودم به دلیل آنکه شئونات فرهنگی را رعایت نکرده است از نمایشگاه خارج شده و به پیشنهاد آقای اطمینانی مبنی‌بر اینکه قصد این نمایشگاه نشان‌دادن مجموعه‌ای از آثار هنرمندان است، دو اثر دیگر را هم به نمایش گذاشتیم. وی افزود: در حالی آثار من از این نمایشگاه خارج شده است که این آثار در سال ۹۳ در گالری شیرین به نمایش درآمده و حتی عکس این آثار در روزنامه‌های کثیرالانتشار کشور به چاپ رسیده است؛ حال چرا پس از دو سال باید این دو اثر به همت نداشتن شئونات فرهنگی از نمایشگاه خارج شوند، سؤالی است که کسی پاسخ‌گوی آن نیست. دمیرچی (داچی) با اشاره به این اقدام خانه هنرمندان افزود: ادینکه مسئولان خانه هنرمندان بر چه اساس و مبنایی دست به سانسور آثار هنرمندان می‌زنند، جای تعجب بسیاری دارد؛ اما موضوع مورد اعتراض من به این مکان نیست و بیش از هر چیزی از انجمن هنرمندان ایران به‌عنوان نهاد صنفی‌ای که در آن عضو هستم، کله‌متمن. این انجمن نمایشگاهی پژوهشی از هنرمندان خود برگزار کرده و بیش از یک‌ماه پیش عکس آثار من را خواسته‌اند که به آنها ارائه دادم و با انتخاب آثارم حتی عکس اثری را که از نمایشگاه حذف شده در کاتالوگ خود منتشر کردند.